باسمه تعالی

موضوع: اصول عملیه/استصحاب /شبهات حکمیه

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در اشکال مرحوم صدر به بیان معارضه بین استصحاب عدم جعل با استصحاب بقای مجعول بود که بیان شد کلام مرحوم صدر قابل خدشه است.

کلام مرحوم صدر در رد استصحاب معارض در شبهات حکمیه به بیانی که گذشت مورد اشکال واقع شد.

## کلام مرحوم صدر (محصل): جریان استصحاب در مجعول اماره بر چشم پوشی عرف از جعل

جمع بین جعل و مجعول در جریان استصحاب از دید عرف معقول نیست، و از آن جا که در مجعول قابلیت استصحاب است در این ناحیه استصحاب جاری می شود اما در ناحیه جعل این قابلیت وجود ندارد و با توجه به وحدت جعل و مجعول این که عرف در مجعول این قابلیت را می بیند نشان دهنده چشم پوشی از جعل است.

## اشکال به مرحوم صدر (محصل): تفاوت حیثی جعل و مجعول در قابلیت استمرار

اعتراف عرف به جعل منافاتی با اعتراف عرف به قابلیت مجعول برای استمرار ندارد، یعنی در عین این که عرف جعل را می پذیرد و استمرار را در آن قائل نیست، ولی مجعول را دارای این قابلیت می داند، به عنوان مثال در عقد ازدواج، تزویج قابلیت استمرار ندارد، و دفعتا واقع می شود، منتهی زوجیتی که با این تزویج حاصل می شود گاهی دائم است و گاهی موقت و منقطع است، و همین تفاوتی که عرف بین تزویج و زوجیت می گذارد بین جعل و مجعول هم قائل است، و همین طور است حال تملیک و ملکیت، یعنی عرف برای ملکیت قابلیت دوام و استمرار می بیند ولی برای تملیک چنین قابلیتی را قائل نیست.

بنابراین مراد از تفاوت بین جعل و مجعول همین است، یعنی عرف از حیث انتساب حکم به مصدر و جاعل، جعل می بیند و از حیث انتساب آن به محل، مجعول می بیند، و از طرفی هم بیان شد که بین مجعول و فعلیت هم تفاوت وجود دارد، به این بیان که مراد از استصحاب در قانون، قبل از حدوث آن در خارج است، به تعبیر دیگر قبل از خلق این آب حکم آن صادر شده است و همین حکم نسبت به ظرف زوال، قابلیت استمرار و در نتیجه استصحاب دارد، و معنای استمراری بودن مجعول این است که حکم شارع به حرمت آب بعد از زوال بقای حکم حال تغیر محسوب می شود.

## تعارض در کلام مرحوم خویی در وجه عدم جریان استصحاب در شبهات حکمیه

همان طور که گذشت، مرحوم خویی در مصباح الاصول قائل به تعارض استصحاب عدم جعل با استصحاب بقای مجعول شده است، در حالی که برخی استصحاب مجعول را محکوم به استصحاب عدم جعل می دانند، چرا که این اصل سبب از اصل بقای مجعول است، و در نتیجه استصحاب در شبهات حکمیه جاری نمی شود ولی این عدم جریان منتسب به معارضه نیست بلکه از باب حکومت اصل عدم جعل بر اصل بقای مجعول است، اما همان طور که گذشت این ترتب و سببیت عقلی و تکوینی است لذا حکومت منتفی می شود، اما مرحوم خلخالی در تقریرات مبحث قضای مرحوم خویی، حکومت اصل عدم جعل بر استصحاب را از ایشان نقل نموده است.

## مجعول همان جعل با ضمیمه تحقق خارجی موضوع (مرحوم تبریزی)

مرحوم تبریزی جعل را عین مجعول می داند، و با جریان استصحاب عدم جعل، استصحاب بقای مجعول را منتفی می داند، چرا که مجعول را چیزی جز جعلِ حکم به اضافه تحقق خارجی موضوع نمی داند، لذا فرموده است که با تصور استصحاب عدم جعل شکی در ناحیه مجعول باقی نمی ماند تا نیاز به استمرار و استصحاب باشد، یعنی نسبت جعل و مجعول اقل و اکثر است که مجعول اکثر و جعل اقل است، از آن جا که تعددی در کار نیست تعبیر به حکومت مسامحه ای بیش نیست.

«و لا يخفى أن المراد بقولنا حكومة الاستصحاب في عدم الجعل على استصحاب الحكم المجعول مجرد تعبير، و إلّا فإن‏ الاستصحاب في عدم الجعل عين الاستصحاب في عدم المجعول‏».[[1]](#footnote-1)

|  |
| --- |
| اما باید دید کلامی که مرحوم خلخالی به آقای خویی نسبت داده‌ است، در صورت صحت این نسبت، تمام است یا این که حق با قائلین به تعارض این دو استصحاب است؟ |

1. . دروس في مسائل علم الأصول، ج‏5، ص: 134. [↑](#footnote-ref-1)